

مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و یکم، شماره پیاپی 83/1،
پاییز و زمستان 1388، ص 42 11

فقه منظوم شیعی در دو قرن اخیر*

سیدمحمد امامزاده

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات عرب

دکتر حسن عبدالهی

دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد

Email: HSN.Abdollahi@yahoo.com

چکیده

یکی از روش‌های دانشمندان گذشته، برای فراگیری بهتر و سریعتر علوم، به نظم کشیدن مطالب علمی بوده است. به این نوع اشعار اصطلاحاً شعر تعلیمی گفته می‌شود. در آثار و تألیفات فقهای شیعه دو قرن اخیر منظومه‌های علمی زیادی در علوم فقه، اصول، اخلاق، منطق، فلسفه، کلام، رجال و ادبیات عرب دیده می‌شود. در این میان، منظومه‌های فقهی بیشترین عدد را به خود اختصاص داده‌اند. در این مقاله بحث خود را در دو بخش دنبال می‌کنیم؛ در بخش نخست به مهمترین منظومه‌های دو قرن اخیر اشاره شده، و در بخش دوم برای آشنائی بیشتر با این منظومه‌ها به بررسی و تحلیل سه منظومه پرداخته‌ایم.

کلید واژه‌ها: ارجوزه، منظومه، فقه، فقها، شیعه، قرن سیزدهم و چهاردهم هجری.

* . تاریخ وصول: 1388/02/22؛ تاریخ تصویب نهایی: 1388/07/18.

مقدمه

شعر تعلیمی یکی از موضوعات اشعار عربی است که سابقه طولانی در ادبیات عربی دارد. در علوم مختلف مانند صرف، نحو، علوم بلاغی، منطق، فلسفه، کلام، فقه و اصول فقه، شعرا قواعد و احکام آنها را جهت سهولت حفظ به صورت ارجوزه‌ها و منظومه‌هایی درآورده‌اند.

حسن بن علی بن داود حلّی معروف به ابن داود متوفای بعد از 707 ق.، سه ارجوزه در کلام، امامت و فقه دارد که برای اولین بار در سال 1367 هـ. ش با تحقیق و تعلیق آقایان حسین درگاهی و حسن طارمی بوسیله سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به زیور طبع آراسته گردید. علامه متتبع و پرتوان، مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب پر ارج خود «الذریعه الی تصانیف الشیعه» تعداد 636 منظومه علمی در رشته‌های مختلف را نام می‌برد که شعرا و علمای شیعی آنها را سروده‌اند. در این میان، ارجوزه‌ها بیشترین عدد را به خود اختصاص داده‌اند و شمار آنها به 234 می‌رسد. در حرف همزه می‌گوید: «در اینجا منظومه‌هایی را ذکر می‌کنیم که در بحر رجز سروده شده است. اما اگر منظومه‌ای در بحری غیر از رجز باشد و یا آن را ندیده و از بحر آن اطلاعی نداشته باشم، آن را در حرف میم به عنوان منظومه ذکر خواهم کرد و در صورتی که منظومه دارای یک قافیه باشد آن را در حرف قاف به عنوان قصیده می‌آورم» (تهرانی، 1387 هـ.ق: 450/1).

اما چرا وزن اغلب منظومه‌های فقهی بحر «رَجَز» است؟ زیرا اولاً حفظ اشعاری که بر این وزن می‌باشد به علت خفیف بودن بحر آن، آسانتر می‌باشد و به سهولت به ذهن سپرده می‌شود. ثانیاً در آوردن مطالب علمی در قالب این وزن برای ناظم اشعار، به خاطر جوازات ذکر شده در این بحر، آسانتر است. وزن تام و سالم بحر رجز چنین است:

مستفعلن مستفعلن مستفعلن

مستفعلن مستفعلن مستفعلن

اما جایز است به جای «مستفعلن» اوزان «مفاعِلُن»، «مُفْتَعِلُن» و «فَعْلَتُن» را نیز به کار برد. به این علت، برخی این بحر را «حمار الشعر» یا «حمار الشعراء» نامیده‌اند. اما بعضی معتقدند که مناسب‌تر بود آن را «عالم الشعر» می‌نامیدند زیرا نظم آن آسان است و تمام علمایی که متون علمی مانند فقه، نحو، منطق و طب را به نظم درآورده‌اند، این بحر را اختیار نموده‌اند.

ارجوزه‌ها را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

نوع اول: ابیات دارای یک قافیه می‌باشند. این گونه ارجوزه‌ها در اشعار عربی، به خاطر مشکل وحدت قافیه اندک است.

نوع دوم که آن را مزدوجات می‌نامند، تنها هر دو مصرع ابیات آن دارای یک قافیه می‌باشد. بیشتر اشعار تعلیمی به خاطر سهولت نظم آنها از این نوع هستند.

در گذشته نه چندان دور در میان این اشعار تعلیمی، منظومه‌های فقهی جایگاهی رفیع داشته و از رواجی خاص برخوردار بوده است، ولی در زمان حاضر، متأسفانه، این میراث فقهی عظیم کمتر مورد توجه حوزه‌های علمیه و رشته‌های دانشگاهی مربوط به آن قرار گرفته و مورد غفلت واقع شده است. شایسته است که این گنجینه گرانبهای فقهی بار دیگر احیا شود.

در اکثر ابواب فقه، یک یا چند منظومه وجود دارد. آقا بزرگ تهرانی در الذریعه، آنها را به ترتیب حروف الفبا ذکر کرده است مانند ارجوزه الاتنی عشریه فی الصلاة، ارجوزه فی احکام الاموات، ارجوزه فی الارث، ارجوزه فی الحج ... و در پایان ارجوزه فی الوضوء و ارجوزه فی الوقف. اگر با باب طهارت آغاز می‌شد و به باب دیات ختم می‌شد با کتابهای فقهی هماهنگی و مطابقت داشت. در کتابهای رجال و تراجم به غیر از آنچه که مرحوم آقا بزرگ تهرانی ذکر کرده است، منظومه‌های فقهی دیگری وجود دارد که پس از تألیف الذریعه سروده شده است و یا از قلم وی افتاده است.

برخی از این منظومه‌ها در اصل کتاب فقهی یکی از فقها بوده، که این فقیه شاعر

آن را به نظم درآورده است مانند «الدرة الصفیة فی نظم الالفیة الشهیدیة» نوشته عموی شیخ بهائی، شیخ نورالدین علی بن عبدالصمد حارثی همدانی. (همان: 15/18)

در این زمینه دو مقاله نوشته شده است یکی در شماره 38 آئینه پژوهش نوشته سید صادق محسنی به عنوان منظومه‌های فقهی که نویسنده پس از مقدمه‌ای کوتاه فهرست منظومه‌های فقهی را از آغاز تاکنون به ترتیب ابواب کتابهای فقه، از طهارت تا دیات ذکر کرده است. بیشتر این منظومه‌ها از کتاب ارزشمند (الذریعة) استخراج شده است و فقط درباره (الدرة النجفیة) نوشته سید مهدی بحرالعلوم توضیح مختصری پیرامون شروح آن داده است. در این مقاله نام 175 منظومه و ارجوزه دیده می‌شود.

مقاله دیگری به زبان عربی در شماره‌های 19، 21 و 22 فصلنامه اهل البيت عربی نوشته سید محمد جواد جلالی به عنوان (فی رحاب المكتبة الفقهیة، الفقه المنظوم) چاپ شده است.

نویسنده در این پژوهش، پس از درآمدی پیرامون مقایسه منظومه‌های فقهی شیعه با منظومه‌های اهل سنت به دوازده منظومه فقهی اهل سنت اشاره می‌کند و می‌گوید: من بیش از این منظومه‌ای را از اهل سنت نیافتم، در حالی که بیش از 180 منظومه در فقه شیعه از آغاز تاکنون نگاشته شده است. سپس در بخش نخست مقاله فهرست منظومه‌هایی را که در تمام ابواب فقه می‌باشد به ترتیب سال وفات ناظم آن ذکر کرده است. در بخش دوم نیز به همین ترتیب فهرست منظومه‌هایی که در یک باب فقه می‌باشد، بیان کرده، اما منظومه‌هایی که در بیش از یک باب بوده ولی تمام فقه را شامل نبوده در هر دو بخش آورده است. در این مقاله هم بیشتر مطالب از کتاب الذریعة نقل شده است.

بخواست خدا ما در این نوشتار بنا داریم با نگاهی عمیق‌تر و فراگیرتر از آنچه انجام شده به مقوله فقه منظوم بپردازیم، لذا در این مقاله علاوه بر معرفی برخی از منظومه‌های فقهی در دو قرن اخیر به عنوان نمونه چند منظومه فقهی را مورد بررسی و

تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم؛ بنابراین بحث خود را در دو بخش دنبال می‌کنیم:

بخش اول: معرفی منظومه‌های فقهی

در یک تقسیم بندی کلی می‌توان منظومه‌های فقهی دو قرن اخیر را به سه گروه تقسیم کرد:

الف: منظومه‌هایی که همه ابواب فقه را در بر می‌گیرد.

مهمترین منظومه‌هایی که همه ابواب فقه از طهارت تا دیات را دربرمی‌گیرد، عبارتند از:

1 - منظومه شیخ ابراهیم صادق (م 1288 ق.)؛

این منظومه حدود هزار و پانصد بیت دارد که خود ناظم سی بیت از کتاب طهارت آن را شرح داده است، آغاز آن

الماء اما مطلق و ذاک ما ی سبق للفهم متی ما قبل ما

(خاقانی، 1408: 70/1)

آب یا مطلق است و آن آبی را مطلق گویند که هرگاه آب گفته شود به ذهن تبادر کند.

2 - منظومه شیخ أحمد ستیری (م 1315 ق.) که بیش از دو هزار و پانصد بیت است (همان: 264)

3 - ارجوزه سید محسن کاظمی اعرجی (م 1227 یا 1228 ق.) بنام *الفقهیه المستظرفه*؛

این ارجوزه دارای هزار بیت می‌باشد بدین جهت الفیه نامیده می‌شود. آغاز آن:

سبحان من محسن بالنعمة قبل وجوبها بفضل الكرم

در ادامه می‌گوید:

سمیتها الفقهیه المستظرفه یوجب ضبطها مزید المعرفه

این منظومه در سال 1271 چاپ شده است. نسخه کاملی از آن تا آخر دیات با اختلاف در برخی الفاظ یا یک بیت و یا یک جمله در کرمانشاه در میان کتابهای مولی محسن فرزند مولی سمیع به خط وی وجود دارد. نوه وی حاج آقا محمد مهدی کرمانشاهی (م 1346 ق.) می‌گفت: ناظم این ارجوزه جلد ما می‌باشد نه سید محسن کاظمی اعرجی. (آقا بزرگ تهرانی، 1387: 297/16 و 121/8)

سید محسن امین در اعیان الشیعه این الفیه را جزء تألیفات سید محسن کاظمی اعرجی نیاورده است و نیز دکتر محمد هادی امینی در کتاب معجم رجال الفکر والادب فی النجف نامی از این الفیه جزء تألیفات سید نبرده است. (امین، 1403: 46/9 و امینی، 1413: 161/1)

شایان ذکر است که این دو محقق ارجمند از جمله تألیفات محقق کاظمی منظومه‌ای را بنام **جمع اشباه و نظائر** ذکر کرده‌اند.

4 - منظومه **الدرة البيضاء**. ناظم آن سید میرزا ابوالقاسم فرزند سید صادق طباطبایی. ساکن تهران مشهور به سنگلجی معاصر صاحب **الذریعه** متولد 1287 ق.. این منظومه دارای سی هزار بیت است. آغاز آن:

اعوذ بالله من الرجیم وبسمه الرحمان الرحیم
الحمد لله الذی هدانا الی صراط الحق واجتبانانا

در ادامه می‌گوید:

فهده منظومة وجیزه! نافعة للمبتغی عزیزه
سمیئتها بالدرة البيضاء تبصرة من الطباطبائی

(آقا بزرگ تهرانی، 1387 ق.: 92/8)

5 **الجنه المأوی** نوشته سید محمد بن عبدالصمد اصفهانی

شهرشاهی (م 1287 ق.).

این منظومه حدود یکصد هزار بیت است. سید حسن صدر درباره آن گفته است: «مشمول علی الفکاهة والفقاهاة». (همان: 490/1، 129/23 و 160/5)

6 - *نبراس الهدی* نوشته حاج ملا هادی سبزواری (م 1289 ق.) مشتمل بر هزار بیت است. ناظم شرحی بر آن دارد مانند منظومه‌اش (*غمرر القرائد*) در منطق و فلسفه. از این منظومه از کتاب طهارت تا نکاح چاپ شده است. آغاز آن:

الحمد لله الذي نوهنا
بنور نبراس الهدى فقهننا

وی دو منظومه دیگر در فقه دارد یکی بنام *ارجوزه فی الفقه و دیگری المقباس*. (همان: 490/1، 126/22، 129/23 و 38/24)

ب - منظومه‌هایی که برخی از ابواب فقه را در برمی‌گیرد.

مهمترین و مشهورترین این منظومه‌ها عبارتند از:

1 - منظومه علامه سید مهدی بحرالعلوم (م 1212 ق.) به نام *الدرة البهية* یا *الدرة النجفية* و یا *الدرة الغروية* که تمام باب طهارت و باب صلاه تا نماز طواف را دربرمی‌گیرد. این منظومه مورد اهتمام و ستایش بسیاری از فقها بوده است. در اعیان الشیعه در تمجید آن می‌گوید: سرور ارجوزه‌های فقهی و بی‌همتا است. (أمین، 1403: 160/10). این منظومه از جهت صحت مطالب آنقدر معتبر است که در پاره‌ای از موارد صاحب جواهر به ابیات آن استشهاد می‌کند که به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

1 - در مسأله دو طرف مشتبه می‌گوید: ولعل ذلك الذي اشار اليه السيد - شيخ مشايخنا - في منظومته، فقال في الانائين المشتهين:

ولو تعاقبنا على رفع الحدث
لم يرتفع وليس هكذا الخبث

(نجفی، 1367: 306/1)

2 - در موضوع زوال عین نجاست می‌گوید: ولعله لما ذكرنا اشار السيد مهدى في منظومته، فقال:

واجعل زوال العين في الحيوان طهراً كذا بواطن الانسان

(همان، 376/1)

3 - درباره حد دست می گوید: نعم، المتبادر من اطلاق لفظ اليد في النص والفتوى الكف فيكون حدّها الزند كما اشار الى ذلك الطباطبائي في منظومته، فقال:
ولا يجوز المسح الا في اليد وحدّها الزند اذا لم تفقد
(همان، 185/2)

4 - پیرامون اشتراط مندوحه در تقيه و يا عدم اشتراط آن می گوید: واختار ثانيهما المحقق الثاني وهو المنقول عن الشهيدين، واختاره الطباطبائي في منظومته، فقال:
وفي اشتراط عدم المندوحه قول ولكن لا ارى تصحيحه
(همان، 238/2)

5 - در بحث تیمم می گوید: اللهم الا ان يقال: انه بعد أمر الشارع بصرفه في غيرها كان بمنزله من لا ماء عنده، فلا خطاب بالطهاره حينئذٍ، ومن هنا قال الوحيد الطباطبائي في منظومته بعد ذكر اسباب التيمم:

فالفرض في هذا ونحوه البذل والاصل لا يجري اذا الفرض انتقل
لكن يعود أن تكلف السبب وارتفع العذر بما قد ارتكب
وضابط البطلان تحريم العمل لا النهي عما يقتضيه اذ حصل

(همان، 112/5)

پنجاه و شش مورد در جواهر به اشعار این منظومه استشهاد شده است. در پاره‌ای از این موارد به مضمون اشعار اشاره می‌کند ولی ابیات را نیاورده است مانند مسأله حق سبق در مشترکات، می گوید:

«اما حق السبق في المسجد ونحوه ففي بطلان الصلاة وعدمه وجهان بل قولان اقواهما الثاني وفاقاً للعلامة الطباطبائي في منظومته» (همان، 286/8). در همین موضوع آقای

خویی می‌گوید: «وذهب فی الجواهر تبعاً للسید العلامة الطباطبائی فی منظومته إلى الثاني» (خویی، 1410: 13/2)

اما در بیشتر موارد ابیات را ذکر کرده است.

اما چگونگی استشهاد مرحوم صاحب جواهر به منظومه سید بحرالعلوم بیشتر به صورت تبعیت با تقویت و تأیید آراء فقهی خودش است. سید محسن حکیم در مسأله اذان می‌گوید: «اما اذان الصلاة فمتصل بها وإن كان في آخر الوقت كما صرح بذلك في الجواهر تبعاً للعلامة الطباطبائی فی منظومته» (حکیم، 1391: 539/5)

صاحب جواهر در کراهت کشتن شپش در مسجد می‌گوید: «ما کراهة قتل القمل» فيه وإن نص عليها غير واحد من الأصحاب، بل في الذكري انه قاله الجماعة، لكن قد اعترف بعضهم بعدم الوقوف علي نص دال عليه ولعله لذا تركها العلامة الطباطبائی فی منظومته» (نجفی، 1367: 129/14)

و در مسأله وقت نماز می‌گوید: «اذا كان له طريق الى العلم بالوقت لم يجز التعويل علي الظن واليها اشار الطباطبائی فی منظومته»:

وكل ما امكنه العلم فلا يبنى على الظن لأصل أصلاً

(همان، 265/7)

به جز مرحوم صاحب جواهر، فقهای دیگری مانند محقق نراقی در مستند الشیعه، شیخ اعظم انصاری در دو کتاب طهارت و صلاه و حاج آقا رضا همدانی در مصباح الفقیه و از متأخرین مرحوم شیخ عبدالکریم حائری در کتاب الصلاة خود به آرای سید در منظومه به عنوان کتاب فقهی معتبر اشاره می‌کنند. جهت اطلاع بیشتر به نرم افزار مکتبه اهل البيت عليهم السلام رجوع شود.

در جلالت شأن آن همین بس که شروح و حواشی و تتمه‌هایی فراوان بر آن نگاشته شده است.

بیت آغازین آن چنین است:

- افتتح المقال بعد البسملة
بحمد خير منعم والشكر له
درباره نام و تاریخ نظم آن می‌گوید:
غراء قد وسمتها بالدره
این ماده تاریخ مطابق 1205 ق. می‌باشد.
برخی از شروح آن عبارتند از:
- **خزائن الاحكام** فی شرح المنظومة التي نظمها سيدنا بحر العلوم؛ نوشته آغا بن عابد بن رمضان بن زاهد شیروانی دربندی (م 1286 ق.)؛ این منظومه نزدیک یکصد هزار بیت است. (آقا بزرگ تهرانی، 1387 ق.: 152/7)
- **كشف الاسرار الخفية في شرح الدرّة النجفیه** نوشته سید ابوالقاسم فرزند سید احمد حسینی کاشانی (م 1318 هـ. ق) در دو جلد؛ نویسنده ابتدا بیت شعر را ذکر می‌کند سپس آن را شرح می‌دهد از کتاب جواهر و شیخ انصاری اقوال زیادی را نقل می‌کند. (همان، 15/18)
- **شرح منظوم درّه**؛ ناظم آن از نوادگان سید بحر العلوم به نام سید حسن فرزند سید رضا فرزند سید مهدی بحر العلوم است. (خاقانی، 1408: 218/3)
- **شرح منظومه** نوشته محمدعلی بن محمدحسن اردکانی شاگرد سید بحر العلوم. (أمینی، 1413: 106/1)
- **المواهب السنية** نوشته حاج میرزا محمود بروجردی؛ شرحی است مبسوط و استدلالی. چاپ سنگی آن در دو مجلد در کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد موجود است. این شرح تا آخر بحث کفن میّت می‌باشد.
- در کتب تراجمی که در شرح حال فقها نگاشته شده شروح دیگری را می‌بینیم که جزء سی شرح ذکر شده در **الدریعه** نمی‌باشند مانند **شرح درّه** نوشته محمدرضا فرزند شیخ عبدالحسین آل یاسین. (همان: 71/1)
- محمدعلی اعسم شاگرد سید بحر العلوم هجده بیت در تقریظ درّه سروده است.

آغاز آن:

درة علم هی ما بین الدُّرر فاتحة الكتاب ما بین السُّور
منظومه‌هایی در تممیم و تکمیل درّه سروده شده است که نام بعضی از آنها در
الذریعه آمده است. (آقا بزرگ تهرانی، 1387: 341/3).

2 - *ارجوزه فی الصوم والاعتکاف والخمس* نوشته سید محمد حسنی بغدادی
نجفی (م 1394)؛ این ارجوزه در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد می‌باشد. در سال
1384 ق. برای اولین بار در نجف به چاپ رسید. با اینکه وی معاصر آقا بزرگ تهرانی
بوده و هر دو در نجف می‌زیستند ولی در *الذریعه* نامی از آن برده نشده است! همچنین
در مقاله منظومه‌های فقهی مجله آئینه پژوهش و نیز مقاله الفقه المنظوم فصلنامه اهل
بیت ذکر نشده است. در مقدمه آن می‌گوید:

ابدء باسم من الی عبادته دعا الوری کی یخلصوا فی طاعته
ومن لهم الی الصیام ندبا لکونه عندهم مقرر با
احمده حمداً کما فقهنی اذ هو فی احکامه عرفنی

و در ادامه درباره ارجوزه‌اش می‌گوید:

ارجوزه لیس لها مماثل قد اذعنت لفضلها الافاضل
وجیزه حوت من المسائل ما لیس یحصی سهله التناول

و پس از بیان احکام روزه، اعتکاف و خمس آورده است:

الحمد لله علی الإكمال مصلياً علی النبی والآل

3 - *منظومه فی الصوم والخمس والحج*؛ ناظم آن شیخ عباس فرزند شیخ
حسن فرزند شیخ جعفر کبیر کاشف الغطا (م 1323). در کتاب *ماضی النجف*
وحاضرها در بخش تألیفات شیخ، منظومه حج را مستقل آورده است و گفته که این
منظومه بیش از هزار بیت است.

در *الذریعه* این منظومه را به عنوان ارجوزه فی الصوم والخمس والزکاه والحج

به نقل از کتاب *الحصون المنیعه* ذکر کرده است. (آل محبوبه، 1406: 158/3 و آمینی، 1413: 1043/3 و آقا بزرگ تهرانی، 1387 ق.: 484/1)

ج - منظومه‌هایی که فقط یک باب فقهی را دربر می‌گیرد عبارتند از.

1 - *ارجوزه فی احکام الأموات*؛ نوشته سید هاشم فرزند سید احمد آل

سید

کمال الدین حسینی حلی (م 1341 ق.) که با بیت زیر آغاز می‌شود:

حمداً لمحیی کل ذی حیاة وقاهر العباد بالمماتة

و با این بیت پایان می‌یابد:

فانتظروا الحکم من الاله ونختم النظم بحمد الله

این ارجوه خطی است و به چاپ نرسیده است. (آقا بزرگ تهرانی، 1387 هـ - ق.: 451/1).

2 - *ارجوزه فی الأذان والاقامه*؛ ناظم آن شیخ عبدالرحیم فرزند محمدعلی

شوشتری (م 1313 ق.) شاگرد وی سید آقا شوشتری گفته است: این ارجوزه را به خط استادم دیدم. (همان: 452/1)

3 - منظومه‌های فراوانی در باب ارث سروده شده است. علت آن مشکل بودن و مورد ابتلا بودن احکام آن می‌باشد. این منظومه‌ها حفظ قواعد آن را آسان می‌کند به دو تا از آنها اشاره می‌کنیم.

- ارجوزه شیخ محمدعلی فرزند محمد اعسم (م 1233 ق.)؛ آغاز آن چنین

است:

نحمدک اللهم یا مَنْ شرعا دیناً به النبی طه صدعا

وَمَنْ أبان حکم الانسان حیاً ومیتاً بأحسن البیان

در ادامه می‌گوید:

وَبَعْدُ لِمَا أَنْ وَقَفْتَ فِي الْأَثَرِ عَلِي حَدِيثٍ جَاءَ مِنْ خَيْرِ الْبَشَرِ
تَعَلَّمُوا عِلْمَ الْمَوَارِيثِ وَقَدْ سَمَّاهُ نِصْفَ الْعِلْمِ فِيمَا قَدْ وَرَدَ

(همان: 454/1)

- ارجوزه سید محسن امین عاملی (م 1371 ق.)؛ ارجوزه‌اش در ارث به نام
(جنّاح الناهض الی تعلّم الفرائض) است. آغاز آن:

الحمد لله القديم الوارث المشي الخلق المميت الباعث

(امین، معادن الجواهر، 1403: 141/4)

4 - در باب حج نیز به دو منظومه از میان تعداد زیاد منظومه‌های این باب اشاره

می‌کنیم:

- ارجوزه شیخ طاهر حچامی کبیر (م 1279 ق.) به نام *تحفة النساک*. ارجوزه‌ای
است مفصل در احکام و مناسک حج تمتع 277 بیت دارد. یکی از بزرگان خاندان
کاشف الغطا در ستایش این منظومه گفته است:

أَغْوَدُ عَلِي نُحُورِ الْعَذَارَى أَمْ عَنَاوِينُ حِكْمَةٍ لَا تَبَارَى
أَوْضَحَتْ مِنْهُجَ الْهُدَى لِلْمُضِلِّينَ بِنُورِ لَوْلَاهُ ضَلُّوا حَيَارَى

(آقا بزرگ تهرانی، *الکرام البررة*، 1404: 681/2 و خاقانی، 1408: 380/4)

- منظومه سید عدنان غریفی (م 1340 ق.)؛ در احکام حج و اسرار آن؛ این
منظومه حدود هزار بیت است. آغاز آن:

الحجّ والعمرة فرضان علي من استطاع في الشروط سُجَّلا
قَصَّتْ بِهِ ضَرُورَةُ الدِّينِ الْأَغْرَ لَا يُنْكَرُ الْوَجُوبَ الْأَمَّنْ كَفَّرَ
بِالْأَصْلِ وَالنَّذْرِ وَبِالْأَمْرِ يَجِبُ وَبِالْفَسَادِ وَهُوَ بَعْدُ مُسْتَحَبُّ

(همان: 180/6 و امینی، 1413: 918/2)

5 - *منظومه فی شکوک الصلاة*؛ ناظم آن شیخ أحمد فرزند صالح ستري بحرانی

(م 1315 هـ. ق.) (خاقانی، 1421: 179/17)

6 - در باب رضاع (شیر دادن)، شرایط و احکام آن منظومه‌های زیادی دیده می‌شود. شاید علت آن این باشد که در آن روزگار این کار رواج داشت. دایه‌هایی بودند که به نوزادانی که مادرانشان نمی‌توانستند به آنها شیر دهند، شیر می‌دادند. به سه منظومه در این باب اشاره می‌کنیم:

- منظومه سید محمدجواد حسینی عاملی (م 1226 هـ.ق)؛ صاحب *مفتاح الکرامه* در شرح قواعد علامه این منظومه یکصد و چهل بیت دارد. آغاز آن:
الحمد لله وصلی الباری علی النبی الطاهر المختار
در ادامه می‌گوید:

فبعده فالرضاعُ أمرٌ جارٍ فی سائر الاعصار والأمصار
فهاک نظماً راق فی الرضاع لیسهل الحفظ علی الطباع
(حسینی عاملی، بی تا: 775/4 و آقا بزرگ تهرانی، 1387 هـ.ق: 110/23)
- منظومه سید صدرالدین عاملی (م 1263 ق.)؛
آغاز آن این گونه است:

إن أحرز الرضاع شرطه نشر تحريم تزويج وتحليل نظر
این منظومه حدود هفتاد بیت دارد. خود ناظم شرح مفصلی بر آن نوشته به نام
شرح الارجوزة الرضاعية. (همان: 476/1 و 111/23).

- منظومه محمدعلی اعسم (م 1233 ق.)؛ آغاز آن چنین است:
الحمد لله علی إفضاله بالرزق للطفل لدی استهلاله
در ادامه می‌گوید:

وبعده فاعلم بأن الداعی للنظم فی مسائل الرضاع
أبى رأيتها كثيرة الشعب والبحث عن أحكامها وجب
و در ابتدای بیان احکام آن می‌گوید:

صحّ الحديث عن نبي الأمة وعن بنيه السادة الأئمة
 إن الرضاع حكمه حكم النسب فيماله من حكم تحریم وجب

(همان: 476/1 و 111/23)

7 - منظومه زکات؛ ناظم آن سید محمدجواد عاملی، این منظومه در شرح حال ناظم در آخر کتاب متاجر **مفتاح الکرامه** ذکر شده است. (همان: 476/1)

8 - **منظومه فی الصوم**؛ نوشته شیخ محمد حسین اصفهانی نجفی معروف به کمپانی (م 1361 هـ. ق) آغاز آن:

الصوم فی شریعة المختار ترک المفطرات فی النهار

این منظومه بر خلاف آثار دیگر نویسنده که مورد اهتمام فقها و اصولیان می باشند، مورد توجه قرار نگرفته به طوری که در برخی از کتابها جزء تألیفات ایشان نیامده است. (أمینی، 1413: 134/1)

9 - **منظومه فی النکاح**؛ ناظم آن شیخ حسین فرزند شیخ مشکور حولوی (م 1388 هـ. ق) این منظومه دارای یکهزار و شصت بیت است (آقا بزرگ تهرانی، 1387 ق: 145/23)

10 - **منظومه فی الوقف**؛ نوشته سید محمدعلی موسوی عاملی اصفهانی مشهور به آقا مجتهد (م 1280 ق). این منظومه چاپ نشده نزد نوادگان ناظم آن می باشد. (أمین، 1403: 6/10) آنچه ذکر شد بخش کوچکی از منظومه های فقهی فقهای عظام رضوان الله تعالی علیهم در دو قرن اخیر است. جهت اطلاع بیشتر به کتاب ارزشمند الذریعه الی تصانیف الشیعه جلد اول و بیست و سوم مراجعه شود.

بخش دوم: بررسی چند منظومه فقهی

1 - ارجوزة اعسمیة نوشته فقیه نامور شیخ محمدعلی فرزند شیخ حسین فرزند حاج محمد اعسم نجفی (ره) متوفای سال 1233 هـ. یکی از زیباترین و مشهورترین

منظومه‌هایی است که در فقه نوشته شده است. فقیه بزرگ شیخ محمد ابراهیم کرباسی متوفای سال 1407 هـ می‌گوید که این ارجوزه یکی از سه منظومه مشهور است که عبارتند از: ارجوزه ابن مالک در صرف و نحو و دیگری الدرّة النجفیة سیّد مهدی بحر العلوم در فقه و سومی این ارجوزه در فواید و آداب اطعمه و اشربه. این ارجوزه دارای 146 بیت است و متضمن اخبار و روایات وارده از معصومین علیهم السلام می‌باشد.

مقدمه منظومه:

الحمد لله و صلّى الباری	علی النبى احمدا المّختار
وآله الأطهار ارباب الكرم	ومن بهم تمّت علی الخلق النعم
و بعد فالعبد الفقیر المّحتّمی	بظلّ آل البيت ابن الأعسم
قال نظرت فی کتاب الأطعمه	من الدّواعی ما اقتضى أن انظمه

در نسخه چاپ آستان قدس رضوی به جای (من الدواعی) من الدروس نوشته و در پاورقی مراد از دروس را کتاب دروس شهید بیان کرده است و ظاهراً این معنی بهتر است.

مما به روی من الآداب	عند حضور الأكل والشراب
مكتفياً بذاك أو أذكر ما	رواه فی ذلك بعض العُلما
مقتصراً فيه علی متن الخبر	أو نص من لم یفت الأ عن أثر

آن‌گاه ناظم درباره نان و ویژه‌گیهای آن می‌گوید:

الفضل للخبز الذی لولاه ما كان يوماً یعبده الإله

از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله روایت شده است: «اللهم بارک لنا فی الخبز ولا تفرّق بیننا و بینه، فلولا الخبز ما صمنا ولا صلینا ولا آدینا فرایض ربنا» (مجلسی، 1403:

(270/66)

و در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: «أَمَا بُنِيَ الْجَسَدُ عَلَى الْخَبْزِ»
(همان: 270/66)

و در ادامه می گوید:

أَفْضَلُهُ الْخُبْزُ مِنَ الشَّعِيرِ فَهَوَ طَعَامُ الْفَقِيرِ
مَا حَلَّ جَوْفًا قَطُّ إِلَّا أَخْلِيَا مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَهُوَ قُوتُ الْأَنْبِيَاءِ

محمد بن یعقوب کلینی در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل می کند که امام فرمود: «فضل الشعير علي البر كفضلنا علي الناس، ما من نبي الا وقد دعا لأكل الشعير وبارك عليه وما دخل جوفاً الا وأخرج كل داء فيه وهو قوت الانبياء وطعام الأبرار، ألي الله أن يجعل قوت أنبيائه الا شعيراً» (حر عاملی، بی تا: 17/4)

له على الحِنْطَةِ فَضْلٌ سَامِي كَفَضْلِ أَهْلِ الْبَيْتِ فِي الْأَنَامِ
مَا مِنْ نَبِيٍّ لِإِعْتِنَاءٍ فِيهِ إِلَّا وَقَدَ دَعَا لِأَكْلِهِ

در این ابیات معنای روایت به صورتی دقیق به نظم درآمده است.

و در آداب خوردن غذا می گوید:

سَمَّ عَلَى الْمَأْكُولِ فِي ابْتِدَاءٍ وَفِي الْأَخِيرِ أَحْمَدٌ وَفِي الْأَتْنَاءِ
وَإِكْتَفٍ بِالْمَرَّةِ فِيمَا يَتَّجِدُ وَسَمٌّ عِنْدَ كُلِّ لَوْحٍ إِنْ يَرِدُ

مقصود وی در بیت دوم این است: در صورتی که بر روی سفره یک نوع غذا باشد بردن نام خداوند در آغاز یک بار کافی است ولی در صورت تنوع غذاها برای شروع به خوردن از هر کدام باید نام خدای متعال برده شود. سپس در ادامه آورده است:

وَيَكْرَهُ الْأَكْلَ عَلَى الشَّبَعِ إِذَا لَمْ يُؤْذَ وَالْمَحْظُورُ مَا فِيهِ أَذَى

این بیت در نسخه آستان قدس رضوی ذکر نشده است.

والأكل مشياً ومعارضاً نقل
على البيان للجواز قد حمل
فعل النبي مرة في الزمن
في كسرة مغموسة باللبن

ناظم در این ابیات به اختلاف روایات در باب خوردن غذا هنگام راه رفتن اشاره می‌کند. ابتدا می‌گوید این کار مکروه است سپس آن را معارض با روایتی می‌بیند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله زمانی تکه‌ای از نان را در کاسه شیر فرو برد و مشغول خوردن آن شد در حالی که راه می‌رفت. شاعر با توجه به این کردار پیامبر صلی الله علیه وآله این روایت را حمل بر جایز بودن این عمل می‌کند زیرا فعل پیامبر صلی الله علیه وآله حجّت است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «لا تأكل وأنت تمشي إلا أن تضطراً إلى ذلك» (مجلسی، 1403: 388/66).

در روایتی دیگر آمده است: «... خرج رسول الله صلی الله علیه وآله قبل الغداة ومعه كسرة قد غمسها في اللبن وهو يأكل ويمشي...» (همان: 388/66)
نتیجه این‌که خوردن در حال راه رفتن جایز است و کراهت آن محل اشکال می‌باشد.

در بیان حکم تکیه دادن در حال غذا خوردن می‌گوید:

والانكاء حالة الأكل اترك
ما أكل النبي وهو متكى
وابن اليسار وهو بعض العمدة
رؤي جواز الإنكاء على اليد

ناظم در این ابیات ابتدا حکم به ترک تکیه دادن در زمان خوردن می‌کند به دلیل این‌که هیچ‌گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله با این حالت غذا نخورد ولی در بیت دوم این حکم را معارض با روایت فضیل بن یسار از اصحاب جلیل القدر امام باقر و امام صادق علیهما السلام می‌داند که در آن حکم به جواز خوردن در حالت تکیه دادن بر دست شده است. (حر عاملی، بی تا: 415/16)

از دیگر آداب غذا خوردن، کراهت دمیدن بر غذای گرم جهت سرد شدن آن، و نگاه کردن به دوستانی که با آنان بر سر سفره غذا می‌خورد و نیز نظر کردن به غذایی که می‌خورند، است. وی در این خصوص می‌گوید:

ویترک النفخ ولا ینظر إلی أکل رفیق معه قد أکلا

قال: واتی النبی صلی الله علیه وآله بطعام فوضع یده فیہ فاذا هو حار فقال دعوه حتی یبرد انه اعظم برکة وإن الله لم یطعمنا النار (حر عاملی، بی تا: 14/17).

عن الصادق عن آبائه عن الحسن بن علی علیه السلام قال: «فی المائدة اثنتا عشرة خصلة... وقلة النظر فی وجوه الناس».

مقصود از ناس، کسانی هستند که با او هم غذا می‌باشند.

و در آخرین بخش از آداب غذا خوردن می‌گوید:

دع السکوت فهی سیرة العجم وجوز المَضغَ وصَغَّر اللقم

لا تحتم فی صحة بلا غرض فهو کترک الاحتمال المرض

الاحتماء به معنی پرهیز از خوردن غذا است.

ساکت بودن در حال خوردن غذا را رها کن زیرا این سیره و روش عجم (غیر مسلمانان) است. از امیرالمؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «... اکثروا ذکر الله علی الطعام...»

و از احکام ارشادی ائمه علیهم السلام در این زمینه خوب جویدن و دیگری کوچک برداشتن لقمه است. در روایت پیشین امام حسن مجتبی علیه السلام به این دو خصلت اشاره فرمودند: (تصغیر اللقمة والمضغ الشدید...)

ناظم در بیت دوم پرهیز از غذا در حالت صحت و تندرستی بدون داشتن هیچ غرضی را منع می‌کند همانگونه که پرهیز نکردن از غذاهای مضر در حالت بیماری ممنوع است. منبع این دستور بهداشتی را در کتابهای روایی نیافتیم.

بخشی دیگری از این ارجوزه در بیان خواص تعدادی از میوه‌ها و غسل می‌باشد. اکثر این خواص مستند به احادیث نبوی و یا روایات امامان معصوم علیهم السلام است.

وی در بیان خواص انار می‌گوید:

وسید الفواکه الرمان يأكله الجائع والشبعان
مُنَوَّرٌ قلوبَ أهل الدین ومُذهَّبٌ وسوسةَ اللعین

علامه سید مهدی بحرالعلوم (م 1212هـ) نیز منظومه‌ای درباره خواص انار دارد
بخشی از آن چنین است:

يا طالباً فضائل الرمان	اتل لذاک سورة الرحمن
تجد بها الرحمن فيها فضله	أجمله طوراً وطوراً فضله
عظمه فی النعت اذ قد نكره	ثم ارتضاه غايه فأخره
وانه لسيد الفواکه	ليس له فی اللطف من مشاکه
وهو طعام وشراب جمعا	يصلح للأكل وللشرب معا
يؤكل فی الجوع وفي حال الشبع	وفي الظما والرى فيه منتفع

(بحرالعلوم، 1280: مقدمه مواهب السنيه)

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «مَنْ أَكَلَ رَمَانَةَ نَورِ اللَّهِ قَلْبِهِ وَطَرَدَ عَنْهُ شَيْطَانَ الْوَسْوَسةِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ...» (حر عاملی، 120/17)

میوه‌های دیگری که در این ارجوزه خواص آنها ذکر شده است عبارتند از: انگور، انجیر، خربزه، خرما، سیب و به؛ سپس از غسل نام می‌برد. آن‌گاه به ترتیب به فواید و مضرات تخم مرغ، انواع گوشت، حلیم، ماهی، سرکه، کدو، ماش، عدس، پیاز، سیر، هویج، کرفس، تره، کاهو و شلغم اشاره می‌کند و در پایان چگونگی خلال دندانها

و حکم آن را بیان نموده و فصلی در استشفای با تربت قبر امام حسین علیه السلام ذکر کرده است.

بخش دیگری از این ارجوزه پیرامون انواع نوشیدنیها است، او درباره آب و احکام آن می گوید:

سید کلّ المائعات الماءُ ما عنه فی جمیعها غناء
اما ترى الوحی الی النبیِّ منه جعلنا کلّ شیء حیِّ

در این بیت اشاره به آیه 30 سوره انبیاء شده است: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» و در ادامه می گوید:

وَمَنْ يَنْحَبِيهِ وَيَشْتَبِيهِ وَيَحْمَدُ اللَّهَ ثَلَاثًا فِيهِ
ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَيُرْوَى أَنَّهُ يُوْجِبُ لِلْمَرْءِ دَخُولَ الْجَنَّةِ
وَفِي ابْتِدَاءِ هَذِهِ الْمَرَّاتِ جَمِيعِهَا بِسْمِ اللَّهِ لَنْصُ أَتِ

در روایت عبدالله بن سنان، گفته: شنیدم از امام صادق علیه السلام که می فرمود: همانا شخص آب می نوشد، خداوند متعال بخاطر آن او را از بهشتیان قرار می دهد، گفتم: چگونه؟ فرمود: شخص آب می نوشد سپس نوشیدن آب را قطع می کند و ظرف آب را از دهان دور می کند پس خداوند را ستایش می کند پس از آن دوباره آب می نوشد بار دیگر حمد خدا را می گوید سپس برای بار سوم این کار را تکرار می کند با این شیوه آب نوشیدن خداوند او را داخل بهشت می گرداند در هر بار آب نوشیدن بسم الله می گوید. (بحار مجلسی، 464/66)

و نیز در ادامه می گوید:

والماء إن تفرغ من الشراب له صلّ علی الحسین والعن قاتله
تؤجر بالآلفِ عداؤها منه من عتق مملوک وحطّ سيئه
ودرجٌ وحسنات ترفع فهی اذن مئات الف اربع

داود رقی می گوید: کنت عند أبي عبدالله عليه السلام اذا استسقي الماء فلمّا شربه

رأيته استعبر واغرورقت عيناه بدموعه، ثم قال لى: يا داود لعن الله قاتل الحسين عليه السلام فما من عبد شرب الماء فذكر الحسين ولعن قاتله الا كتب الله له مائة الف حسنة وحط عنه مائة الف سيئة ورفع له مائة الف درجة وكأنا اعتق مائة الف نسمة وحشره الله يوم القيامة تلج الفؤاد (ابن قولويه، 106).

سپس خواص آب رودخانه های فرات و نیل و چاه زمزم را ذکر کرده است و در قسمت پایانی منظومه اشعاری درباره مسافرت و آداب آن این گونه می سرايد:

من شرف الانسان فى الاسفار	تطيبه الزاد مع الإكثار
وليحسن الانسان فى حال السفر	اخلاقه زيادة على الحضرة
وليدع عند الوضع للخوان	من كان حاضراً من الاخوان
وليكثر المزح مع الصحب اذا	لم يسخط الله ولم يجلب اذى

ناظم، ارجوزه را با ابیاتی درباره تکریم و گرامی داشت میهمان به پایان می رساند:

والضيف يأتي معه برزقه	فلا يُقَصِّرُ أحداً بحقه
يلقاه بالبشر وبالطلاقه	ويُحسِنُ القرى بما اطاقه

امام صادق علیه السلام فرمود: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنَّ الضيف اذا جاء فنزل بالقوم جاء برزقه معه من السماء، فاذا أكل غفر الله لهم بنزوله عليهم (كلینی، 1367: 284/6).

2 - الدرة النجفية؛

منظومه الدرة النجفية به نامهای دیگری همچون «الدرة البهية، الدرة المنظومة، الدرة الغالية فى المسائل العالية و منظومة بحرالعلوم» نیز شناخته می شود. (تهرانى، 235/13)

محمدعلی اعسم (م 1233 ق.) شاگرد سید بحرالعلوم، منظومه را در ضمن ابیاتی توصیف نموده که آغاز آن این گونه است:

درة علم هی ما بین الدرر فاتحة الكتاب ما بین السور
(بحرالعلوم، مقدمه)

این منظومه شامل بیش از دو هزار بیت در مبحث طهارت و نماز تا نماز طواف است. محتوای آن غالباً استدلالی نیست، لیکن در بعضی از موارد به دلیل حکم اشاره شده است. چنانچه در ابیات مقدمه گذشت در سال (1205 = غُره)، هفت سال پیش از وفاتش، 1212، شروع به سرودن آن نمود. شکی نیست که وی تصمیم به تکمیل ابیات در ابواب دیگر فقه داشته، لیکن عمر او اجازه تکمیل نداده است. چهار شرح منظوم دارد به نامهای: ارجوزه فی شرح الدرر نوشته رضا گلپایگانی و ارجوزه دیگر نگارش عباس بن حسن بن شیخ جعفر کاشف الغطا است. این شرح، مزجی می باشد بدین گونه که ابیات اصل را با شرح درهم آمیخته است. آغاز آن:

الماء ما سمی ماءً مطلقاً فضلاً علی الناس طهوراً خلقاً

سومین شرح منظوم نوشته سید بحرالعلوم بنام سید حسین و شرح چهارم با نام *ارجوزه فی شرح الطهاره* نوشته سید کلب باقر نقوی است. (تهران، 1387 هـ. ق. 241/13 - 235)

بخشهایی از این منظومه را بررسی می کنیم.

القول فی الوضوء:

لا یجب الوضوء الا أن یجب مشروطه فإن یکن ندباً ندب

سید بحرالعلوم در این بیت عدم وجوب وضو را فی نفسه بیان می کند. بدین معنا که وجوب آن غیر است یعنی تابع وجوب مشروطش می باشد مانند نماز و طواف واجب و در صورتی که مشروط مستحب باشد مانند نماز نافله وضو گرفتن مستحب است و واجب نیست. البته انجام دادن آن عمل بدون وضو صحیح نمی باشد.

وللظهر شرط في الصلاة مطلقاً	وما بها كجزئها قد الحقاً
من ذاك المرغمتان عندنا	وشد من ابدى خلافاً معلنا

مراد از ظهر در اینجا وضو است که شرط صحت و مباح بودن نماز است. مقصود از مطلقاً این است که خواه نماز واجب باشد مانند نمازهای پنجگانه یومیه یا مستحب باشد. این موضوع مورد اجماع فقها است. در صحیح زراره از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: «لا صلاة الا بطهور» (حر عاملی، 256/1)

و همچنین وضو شرط انجام دادن اجزای فراموش شده مانند سجده و تشهد می‌باشد. و نیز وضو شرط است در به جا آوردن دو سجده سهو (المرغمتان). این دو سجده را رسول خدا صلی الله علیه و آله، چنانچه در حدیث آمده است، مرغمتان نامید. (سید محمود طباطبائی، 122/1)

فقهایی که بر خلاف آن نظر داده‌اند نظرشان شاذ و مخالف رأی اکثر فقهای شیعه می‌باشد.

ناظم در بخش دیگری از این منظومه موارد استحباب وضو را با بیانی شیوا و اشعاری روان بیان کرده است، آن‌گاه در واجبات وضو می‌گوید:

إن الوضوء (غسلتان - عندنا -	ومسحتان) والكتاب معنا
فالغسلتان الوجه واليدان	والمسحتان الرأس والرجلان
والوجه (ما بين القصاص والذقن)	(مما حوى الابهام والوسطى) اجعلن

(بحر العلوم، 15)

در بیت اول عبارت والكتاب معنا، اشاره به دلیل حکم دارد. پر واضح است که اشعاری چنین عالمانه و استادانه کاری لطیف و جذّاب است و برای از بر کردن قواعد و احکام فقه کمک بسزایی است. دقت در بیان مطالب سبب شده که این منظومه مورد توجه فقها و اندیشمندان حوزه‌های علمیه قرار گیرد و دهها شرح به نظم و نثر بر آن نوشته شود.

در این منظومه به مناسبت بیان بعضی از احکام شرعی، مطالب اخلاقی نیز دیده می‌شود؛ مثلاً در احکام جنائز می‌گوید:

اعاننا الرحمن عند السَّوْقِ	حتی نحب الموت حبَّ شوق
وثبَّت الايمان في قلوبنا	وطهر الديوان من ذنوبنا
اوص اخي بكل حق مفترض	في كل حال سيما حال المرض
لاتنس ذكر هادم اللذات	إن لم تجئة فهو جاء آتى

(همان: 62 و 63)

آغاز خروج روح از بدن را سوق بفتح سین یا احتضار گویند. عیادت از بیمار مستحب موکد است و در بعضی از موارد واجب می‌شود، در صورتی که بیمار خویشاوند باشد و ترک عیادت وی سبب قطع رحم شود. (طباطبائی، 320/4)

3- الدرر البهية (ارجوزة في الفقه)؛

ناظم علامه فقیه سید حسن عریضی خراسانی (م 1306 هـ). این عالم خبیر از فقهای ناشناخته و گمنام جهان اسلام در دوره اخیر است، که ترجمه احوال و آثار او حتی در «طبقات اعلام الشیعه» و کتاب «الذریعه» علامه شیخ آقا بزرگ و «اعیان الشیعه» علامه سید محسن امین درج نشده است. این ارجوزه جزء منظومات چهارگانه‌ای است که توسط بنیاد پژوهشهای اسلامی به چاپ رسیده است.

این ارجوزه دارای 462 بیت است. از اول کتاب صلاه تا اذن و اقامه. مبحث طهارت (وضو، غسل و تیمم)، نجاسات و کیفیت تطهیر آن و اقسام آب و احکام مترتب بر آن بر خلاف ترتیب کتب فقهی مشهور در ضمن شرایط نماز بیان شده است. آغاز آن چنین است:

الحمد لله العلی العالم	بكل شيء الخبير الحاكم
ثم صلاة لا تعد بالعدد	ولا لها حد ولا لها امد
سميتها بالدرر الهية	فأثقة درتنا الغريه!

در بیت اخیر اشاره به منظومه سید مهدی بحر العلوم «الدرة الغروية و يا النجفية» می‌کند و به سبک و روش ابن مالک که گفته «فأثقة الفية ابن معط» ولی به دنبال آن گفته «وهو بسبق حائز تفضيلا» در اینجا ناظم پس از ذکر دلیل برتری منظومه اش، البته دلیلی که با مقایسه این دو منظومه ضعف آن آشکار می‌شود، می‌گوید:

إذ غالباً يستنطق الدليلُ	منها كذا الخلاف والتفصيل
لكنما السابق حاز الفضلا	بسبقه عرفاً فلا يستعلي

(عریضی، 79)

پس از آن وارد مبحث نماز می‌شود:

إن الصلاة لم تجب الأ على	من وجد الطهور وهو قد خلا
عن الدمين عاقلاً وقد بلغ	الحلم أو خشين الشعر بزغ
عليه من عاذية وللذكر	بلوغه اربع أو خمس عشر
وغيره تسعاً واما الحملُ	فيعرف السبق به والأصل

(همان: 80)

تا اینجا نشانه‌های بلوغ پسران و دختران را بیان کرد. غالباً معنی هر بیت کامل نیست و متعلقات و متمم معنی آن در بیت بعدی است. و در اقسام نمازها می‌گوید:

افضها الیومیة المرضیه	وسیعة اقسامها المرعیه
علی التی للآیة تزید	ودوئها الجمعة ثم العید
وما علی المیت لا تُعدّه	وللطواف رکعتان بعده
یلزم أن یُعدُّ منها الملتزم	لانها لیست سوی الدعائعم
من نفسه أو من أبیه المیت	بنذر أو بشبهه والفایت

بیشتر ابیات این ارجوزه بیان مسائل فقهی بدون ذکر دلیل و یا اقوال مخالف در مسأله است ولی در پاره‌ای از مسائل اشاره به دلیل و یا آرای دیگران شده است.

مانند بیان شستن صورت و مسح سر در وضو:

وحدّد الوجه كما عنهم یُعَن	طولاً بما بین القصاص والذقن
وما علیه الاصبغان اشتملا	عرضاً كما فی خبر قد قُبلا
ومنتهی الایدی هو المرافق	كما به الکتاب ایضاً ناطق
بمسح بعض الرأس نحن نکتفی	لأنّ لفظ الباء بالبعض یفی

(همان: 81)

در بیان حکم حدث اصغر در اثنای غسل می‌گوید:

ولا یعیّد بل یتّم لو حدث	اثناء الاغتسال اصغر الحدث
لکن مع الوضوء بعد ما فرغ	كما ارتضاه المرتضی وما بزغ
من سایر الأقوال فهو قد عری	عمّا من الوجه لدینا اعتباراً

(همان: 82)

و در حکم طهارت اهل کتاب می‌گوید:

الکافر غیر الکتابی نجس	امّا هو فالحکم فیهِ مُلتبس
للاختلاف فی النصوص والاصح	فیهِ الطهارة ولكن اتّضح
سبیل الاحتیاط فهو المسلک	ومذهب الاکثر لیس یتترک

(همان: 86)

رأى سيد مرتضى علم الهدى و شيخ مفيد را در مسأله حرمت خواندن نافله پس از نماز صبح تا طلوع خورشيد و نيز پس از نماز عصر تا غروب آفتاب نپذيرفته و مى گويد:

ويكره (التفل) بعد صلاة الفجر	الى الطلوع و بعد العصر
الى الغروب وكذا عندهما	والمرتضى خالفنا فحرماً
وقبله المفيد فى ذين ولم	أظفر بوجه لهما لئلا يلتزم

(همان: 93)

و در پايان اين ارجوزه مى گويد:

ويستقط الأذان فى الأسفار	خصوصه لظاهر الاخبار
والعصر فى الجمعة ثم عرفه	وللعشاء ليبله المزدلفه
وهكذا اخيرة الفرضين إن	بينهما يجمع باجماع زكن
واختلف الاخبار فى الفصول	وما هو الأشهر فى القبول

(همان: 99)

در بررسى اين منظومه ها، استدلال به ادله اربعه، به كارگيرى قواعد اصول و طرح ديدگاههاى انتقادى مخالف به روشنى ديده مى شود، مواردى از آن را ذكر مى كنيم. در اين ابیات اشاره به استصحاب شده است:

لو علم الطهر وشك فى الحدث	لم يلتفت اليه بل ينفى الحدث
ويثبت الطهر وفى العكس عكس	ذا الحكم قطعاً وكذا اذا التبس
مع كون كل منهما قد علما	أنهما أيهما تقدم ما

(عريضى خراسانى، 1369: 80)

در تحديد وجه در وضو مى گويد:

وحدد الوجه كما عنهم يُعَنُّ طولاً بما بين القصاص والذّقن
وما عليه الاصبغان اشتملا عرضاً كما فى خبر قد قُبلا
(همان: 81)

اشاره به خبر صحیح زراره از امام باقر علیه السلام:

«انه قال لابي جعفر الباقر عليه السلام: اخبرني عن حد الوجه الذي ينبغي ان يوضأ
الذي قال الله عزّوجلّ، فقال: الوجه الذي قال الله وأمر الله عزّوجلّ بغسله الذي لا ينبغي
لأحد أن يزيد عليه ولا ينقص منه، إن زاد لم يؤجر وإن نقص منه اثم، ما دارت عليه الوسطي
والاهاام من قصاص شعر الرأس الى الذقن، وما جرت عليه الاصبغان من الوجه مستديراً فهو
من الوجه، وما سوي ذلك فليس من الوجه. فقال له: الصدغ من الوجه؟ فقال: لا» (حر
عاملی، 1403: 284/1).

علامه بحرالعلوم در تداخل اسباب غسل می گوید:

والحكّم فى تعدد الاسباب تداخل الكل بلا ارتياب
إن تتحد نوعاً وإن لم تتحد تداخل الكل إذا الكلّ قصد
وقيل إن كان جنابةً كفى والغير لا يكفى وفى الفرق خفا
(بحرالعلوم، 1405: 28)

قبیل اشاره به قول ابن ادریس است در سرائر که تداخل را در صورتی که غسل
جنابت یکی از آن اغسال باشد جایز می داند ولی در غیر این صورت تداخل اسباب
ممتنع است. سید در رد او به این جمله اکتفا کرده است که (وفى الفرق خفا) تفاوتی
میان غسل جنابت و دیگر اغسال وجود ندارد.

سید عریضی در همین مسأله می گوید:

إن جمعت عليه اسباب كفى عن الجميع واحداً بلا خفا
وهكذا الوضوء بل فيه اتفق اصحابنا قديمهم وما التحق
(عریضی خراسانی، 1369: 82)

اشاره به اجماعی بودن تداخل اسباب در وضوء است ولی در غسل اختلاف وجود دارد.

سید بحرالعلوم در بحث تیمم می‌گوید:

يجزى الصعيد باتفاق العلماء ونصّ قول الله من تيممنا

(بحرالعلوم، 43)

دلیل مجزی بودن صعيد را اجماع علما و نص آیه قرآن ذکر کرده است. و فی السرائر ان الاجماع منعقد علی ان التيمم لا يكون الا بالارض أو ما يطلق عليه اسمها خلافاً للمحكي عن ابي حنيفة ومالك (نجفی، 5/118).

و اما نص قرآن اشاره به آیه 43 سوره نسا و آیه 6 سوره مائده می‌باشد.

سید عریضی در مسأله طهارت اهل کتاب می‌گوید:

الكافر غير الكتابي نجس اما هو فالحكم فيه ملتبس

للاختلاف في النصوص والاصح فيه الطهارة ولكن اتضح

سبيل الاحتياط فهو المسلك ومذهب الاكثر ليس يترك

اشاره به اختلافی بودن آن در میان فقها و مخالفت اکثر ایشان با طهارت اهل کتاب لذا در این مورد و مشابه آن راه احتیاط را بر می‌گزینند. (عریضی خراسانی، 86)

در جای دیگر در طهارت خف و نعل و کف پا و امثال آن می‌گوید:

الخف والنعل واسفل القدم ونحوها تطهر بالارض ولم

ي نقل خلاف فيه الا ما ظهر عن شيخنا الطوسي وهو قد ندر

اینجا تمسک به اجماع نموده است و مخالفت شیخ طوسی و خروج او را از

مجموعین را منافی با اجماع نمی‌داند. (همان: 88)

سید بحرالعلوم قائل به تسامح در ادله سنن می‌باشد زیرا او در مسأله استحباب

تیمم، مواردی که وضو و غسل مستحب می‌باشد می‌گوید:

فهو عن الواجب والندب بدّل يحلّ عند العجز حيث الاصل حل

(بحرالعلوم، 47)

بنا به قول محقق نراقی هیچ دلیلی بر اثبات استحباب نیست مگر فتوای عده‌ای از فقها و شهرت آن. (نراقی، 415/3)

همان‌گونه که می‌بینیم شیوه استدلال به ادله اربعه در منظومه‌ها غالباً به صورت اشاره می‌باشد و همچنین به اصولی مانند استصحاب و احتیاط و تخییر بدون ذکر نام آن استدلال کرده‌اند. و اما اختلاف موجود میان فقها به صراحت در ابیات منظومه‌های فقهی دیده می‌شود.

نتیجه

یکی از کارآمدترین شیوه‌های آموزشی، آموزش با کلام منظوم است. زیرا به ذهن سپردن مطالب با سخن موزون زودتر حاصل می‌شود و دیرتر فراموش می‌شود. فقها در دو قرن اخیر توجه زیادی به متون علمی منظوم داشتند و حتی آنها را حفظ می‌کردند. سید محسن امین عاملی درباره *(الدرّة النجفیّه)* سید مهدی بحرالعلوم می‌گوید: ارجوزه مشهوری است. سرور منظومه‌های فقهی است، بی نظیر است بسیاری از فقها توجه و اهتمام خاصی به آن داشتند. نویسنده روضات الجنّات نقل می‌کند که صاحب جواهر الکلام ابیات این ارجوزه را به منزله روایات معتبر قرار داده است. اما اکنون این منظومه‌ها رو به فراموشی است و یا به کلی فراموش شده است. احیای این روش تعلیم، ارج نهادن به سخت کوشیهای گذشتگان و تشویق کسانی است که طبع شعری دارند و برای به نظم درآوردن مطالب فقهی، ضروری به نظر می‌رسد و این اهداف محقق نمی‌شود مگر با آشنایی با منظومه‌ها و ارجوزه‌های پیشینیان به ویژه فقهای دو قرن اخیر.

در این پژوهش اضافه بر معرفی و بررسی تعدادی از منظومه‌های فقهی به جایگاه و ارزش علمی آنها در میان فقها پی می‌بریم. توان علمی ناظم و هنرمندی وی در ایجازگویی مسائل فقهی و ادله آنها در قالب ارجوزه مشاهده می‌شود و به تحقیق

می توان گفت ارزش این منظومه ها از دیگر کتب فقهی استدلالی کمتر نمی باشد. در برخی از ادبیات این منظومه ها صنایع ادبی مانند جناس و طباق و تضمین به روشنی دیده می شود.

منابع

- آل محبوبه، جعفر؛ *ماضی النجف وحاضرهما*، بیروت: دارالاضواء، 1403ق. 1983م.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد؛ *کامل الزیارات*، نجف اشرف: المطبعة المرتضویة، 1356هـ.ق.
- الاعسم، محمد علی؛ *الأطعمة والأشربة آدابها وفوائدها*، بیروت: دار المحجة البيضاء، 1427 هـ. 2007م.
- _____؛ *منظومة ابن الأعسم فی المأكل والمشرب*، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، 1410ق.
- أمین، سید محسن؛ *اعیان الشیعة*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، 1403ق. 1983م.
- _____؛ *معادن الجواهر ونزهة الخواطر*، بیروت: دارالزهراء، 1403ق.
- أمینی، محمد هادی؛ *معجم رجال الفکر والأدب فی النجف*، بی جا: 1413ق.
- انصاری، مرتضی؛ *کتاب الطهارة*، قم: 1415ق.
- _____؛ *کتاب الصلاة*، قم: 1415ق.
- بحرالعلوم، سید مهدی؛ *الدرة النجفیة*، قم: مکتبة المفید، 1405ق.
- تهرانی، آقا بزرگ؛ *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، تهران: کتابخانه اسلامی، 1387ق.
- _____؛ *طبقات اعلام الشیعة نقباء البشر*، مشهد: دارالمرتضی، 1404ق.
- _____؛ *طبقات اعلام الشیعة الکرام البررة*، مشهد: دارالمرتضی، 1404ق.
- جلالی، سید محمد جواد؛ *مجله فقه أهل بیت علیهم السلام عربی*، قم: شماره های 19، 21 و 22.
- حائری، عبدالکریم؛ *کتاب الصلاة*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1362ق.

حر عاملی، محمد بن الحسن؛ *وسائل الشیعة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403ق.
 حسنی بغدادی، سید محمد؛ *ارجوزة فی الصوم والاعتکاف والخمس*، نجف اشرف:
 1384ق.

حسینی عاملی، سید محمدجواد؛ *مفتاح الکرامتہ*، قم: مؤسسه آل البیت، بی تا.
 حکیم، سید محسن؛ *مستمسک العروة الوثقی*، نجف اشرف: 1391ق.
 خاقانی، عبدالله؛ *شعراء النجف فی القرن الرابع عشر*، بیروت: دارالاضواء، 1421ق.
 خاقانی، علی؛ *شعراء العری*، چاپ دوم، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، 1408ق.
 خویی، ابوالقاسم؛ *التنقیح فی شرح العروة الوثقی*، قم: دارالهادی، 1410ق.
 طباطبائی، سید محمود؛ *المواهب السنیة*، چاپ سنگی، بی جا: 1280ق.
 عریضی خراسانی، سید حسن؛ *اربع اراجیز*، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، 1369.
 کاظمینی، سید محسن؛ *منظومة فقهیة مستطرفة*، با شروح و تعلیقات سید عبدالحجه
 بلاغی، بی جا: بی تا.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ *فروع کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیة، 1367ق.
 مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1403ق.
 محسنی، سید صادق؛ *منظومه های فقهی*، مجله آیین پژوهش؛ شماره 38.
 نجفی، محمدحسن؛ *جواهر الکلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیة، 1367ق.
 نراقی، احمد؛ *مستند الشیعة*، قم: موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث،
 1415ق.

همدانی، رضا؛ *مصباح الفقیه*، چاپ سنگی، تهران: کتابخانه صدر، بی تا.